

چراغنی به عربستان، چین و پاکستان سفر کرد؟؟؟

استاد (صبح)



کشیدند از وطن مام وطن را

به خاک و خون زدند نام وطن را

زدست هر که آمد هر چه کردند

زدند با سنگ غم جام وطن را.

اشرف غنی از زمان ادای سوگند و پیش از سفر به اسلام آباد، به عربستان سعودی و چین سفر کرد و گفته می شود در این سفرها از دو شریک استراتژیک پاکستان خواسته است که بر این کشور بخاطر همکاری بیشتر در روند ایجاد صلح در افغانستان فشار بیاورد. سفر دو روزه غنی و هیئت همراه به پاکستان در حالی صورت گرفت که پیش از این، کابل میزبان دو مقام ارشد پاکستانی بوده است. جندی پیش سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و سیاست خارجی نخست وزیر پاکستان و راحیل شریف لوی درستیز اردوی این کشور به کابل سفر کرده و با مقامات دولتی گفتگو کرده اند.

اشرف غنی در این سفر از حمایت آمریکا برای فشار بر پاکستان در زمینه قطع دخالت در امور افغانستان برخوردار بود. همچنین چین که یکی از قدرت های پر نفوذ بر پاکستان است در سفر اخیر اشرف غنی به یکن برای همکاری در زمینه واداشتن اسلام آباد به کاهش تنش و همکاری برای صلح قول مساعدت داده است. عربستان سعودی نیز از کشورهای است که نفوذ ایدئولوژیک عمیقی بر اسلام آباد دارد و دو کشور از نظر روابط حسنه با گروه های تندروی تکفیری و تروریستی و حمایت از افراط گرایی، مواضع همسانی دارند. همه این مسایل، سفر اشرف غنی به سرزمین همسایه را به رویدادی فوق العاده مهم و استراتژیک تبدیل می کند؛ اما به رغم خوش بینی های که در این خصوص در سایه رفت و آمدهای دیپلماتیک شکل گرفته، با توجه به ناامنی های موجود، هنوز امیدهای بسیار اندکی برای دستاوردهای ملموس و کوتاه مدت این سفر وجود دارد.

پاکستان از بدو تأسیسش همسایه ی خوبی برای افغانستان نبوده است و یکی از مسائل عمده ای پر تنش بین دو کشور خط مرزی دیورند است، که طی بیش از یک قرن از سوی هیچ دولتی در افغانستان به رسمیت شناخته نشده است و این خط سبب شده تا مناسبات افغانستان و پاکستان همواره دچار فراز نشیب های باشد. پاکستان همیشه در همسایگی خود خواهان یک افغانستان تابع، ضعیف، محتاج و بی ثبات بوده و تلاش مینماید تا رژیم مزدور و وابسته مانند طالبان در قدرت باشد. اما بعد از حوادث نیویارک و واشنگتن و تغییراتی که در سیاست های جهانی پدید آمد، پاکستان با وجود مقاومت های زیاد، در نهایت ناچار شد جام زهر را از دست آمریکائی ها بنوشد و در مقابل اخذ بسته های دالر - طالبان را به آمریکا بفروشد. سیاست اسلام آباد در افغانستان مبتنی بر نفوذ در ساختارهای حکومتی و مراکز تصمیم گیری کشور است و به رسمیت شناختن طالبان در زمان حکومت بر افغانستان هم در این راستا، قابل ارزیابی است. در سال های اخیر همواره دولت پاکستان در معرض اتهام حمایت از طالبان بوده است.

مقامات افغانی و آمریکایی بر این باورند که طالبان و حتی هسته هایی از القاعده در داخل پاکستان آموزش می بینند و تجهیز می شوند. اما دولت پاکستان با سخنان همیشگی و کلیشه یی با وجود قراین فراوان این موضوع را رد مینماید.

مجله تایم در گزارشی به بررسی معامله ی دولت و تروریستان در پاکستان پرداخته، مینویسد: بیت الله محسود، یکی از مشهورترین رهبران افراطی و بنیادگر در پاکستان که به دخالت در حملات مرگبار و بم گذاری متهم بوده و دولت با وی در مرز افغانستان اعلام آتش بس کرده است.

این آتش بس از طرف محسود با اعلام نزدیک شدن به انجام معاهده صلح با رهبران قبیله ای این منطقه توسط دولت جدید همراه بوده است. دیپلمات های غربی نیز نگران طرف های درگیر مناقشات در پاکستان هستند. در حالیکه آنها از سازش با بنیادگرایان رده پایین و رهبران قبیله ای حمایت می کنند وقتی که نوبت به القاعده و بزرگان تروریسم در پاکستان می رسد عقیده دارند که باید حد و مرز را تا حدودی رعایت کرد و ادعا می کنند که لیست افرادی که صلح را نمی پذیرند در اختیار دارند.

زمانی که شخصی ستیزه جویی مانند بیت الله محسود آتش بس اعلام می کند این چه معنایی دارد؟ به عنوان تروریست و مسوول طالبان پاکستان، محسود جنگی نابود کننده ای را در وزیرستان به راه انداخته است. او طی اعلامیه هایی به زیردستانش گفته است، که حملات را برای آماده شدن جهت گفتگوهای صلح متوقف کنند. این اقدام وی بخاطر تقویه و سربازگیری های جدید بوده تا بتواند بر فعالیتهایش بیشتر از گذشته ادامه بدهد. .

ماروین وین بام، محقق در مؤسسه خاورمیانه در واشنگتن می گوید: اگر ستیزه جویان قادر به فرو نشاندن حملات باشند و بتوانند آن را برای این دوره زمانی متوقف نمایند، نشان می دهند که حملات تروریستی توسط بمب گذاران مستقل نبوده است. اومعتقد است: آنچه که این ستیزه جویان متوقف کنند می توانند دوباره به راه بیاندازند. حتی اگر محسود بتواند حملات را در وزیرستان متوقف کند هیچ دلیلی وجود ندارد که او بتواند ستیزه

جویان را در دیگر مناطق پاکستان کنترل کند. . . همچنان مولوی عمرظاهر میگوید - ما به تعهدمان برسر آتش بس وفاداریم.

توافقات صلح در سال ۲۰۰۶ در پاکستان با هجوم حملات علیه نیروهای نظامی لغو شد و به افراط‌گرایان فرصت داد که دوباره گرد هم بیایند. . . محسود از دولت پاکستان می‌خواهد که نیروهای اردو را از مناطق قبایله ای خارج کند و به جنگش علیه نیروهای ناتو در افغانستان ادامه بدهد. وی می‌افزاید: حتی انجام يك معاهده موفق توسط دولت پاکستان يك سیاست بازدارنده خواهد بود. فرماندهان نظامی منطقه پیش بینی حملات بیشتری در افغانستان را مینماید.

یکی از مسوولین ناتو در افغانستان می‌گوید: باید نتایج فقدان صلاحیت اردوی پاکستان را برای دو یا سه سال دیگر تحمل کرد که این موضوع نشان دهنده افزایش تروریسم است. ریچارد بوچر، معاون وزیر خارجه آمریکا در امور جنوب آسیا می‌گوید که دولت اسلام آباد از اشتباهات در معاهده سال ۲۰۰۶ درس گرفته است. وی می‌افزاید - در نهایت شما مجبورید که از نیروهای نظامی جهت به اجرا در آوردن توافقات استفاده کنید. مشکلی که جنگجویان هم از آن آگاهند این است که آتش بس فرصتی برای تجدید قوا را فراهم می‌کند.

دو سناتور مطرح امریکایی بعد از دیدار از افغانستان، پاکستان و هند گفته اند که پاکستان خطر جدی را متوجه امنیت افغانستان ساخته است. سناتور کارل، رییس کمیسیون امور قوای مسلح کانگرس امریکا می‌گوید، خطری که امنیت افغانستان را تهدید می‌کند، داخلی نبوده، بلکه ریشه خارجی دارد. وی می‌گوید این خطر از خاک پاکستان ریشه می‌گیرد. القاعده و طالبان برای آموزش و پلان گذاری حملات علیه افغانستان از پناهگاه های امن در پاکستان استفاده می‌کنند. این سناتوران می‌گویند: تروریستانی را که ما در مورد آنها همواره صحبت می‌کنیم، همان کسانی اند که از پاکستان می‌آیند. تا این‌که پاکستان نخواهد، چاره دیگری برای این تروریستان وجود ندارد، اما پاکستان تا اکنون هیچ گاهی نخواستنه است جلو این تروریستان را از داخل شدن به افغانستان بگیرد. شواهدی زیادی وجود دارد که دولت پاکستان به. . . هدف تامین صلح در قلمرو خود با القاعده و طالبان تفاهم می‌کند، اما این معاهده به طالبان و تروریستان فرصت می‌دهد تا آزادانه از سرحد عبور کرده و علیه افغانستان بجنگند. این دو سناتور خواستار مشروط ساختن کمک های امریکا به پاکستان شدند، چون به قول آنها اردوی پاکستان از این پول ها برای هدف اصلی اش که همانا آماده ساختن برای جنگ با هند است استفاده می‌کند.

رس فین گولد عضو کمیته های قضایی، اطلاعاتی و خارجی در مجلس سنای امریکا که چندی قبل در اسلام آباد اعتراف کرد، اعتماد و اشنگتن به مشرف در گذشته اشتباه بوده است. وی از بوش خواست با حمایت از احزاب سیاسی پاکستان اشتباه گذشته خود را جبران کند. این سناتور امریکایی مدعی شد، امریکا نباید فقط روابط خود را با رئیس جمهوری پاکستان تحکیم بخشد بلکه با گسترش روابط با احزاب سیاسی قدرت مانور خود را در این کشور افزایش دهد. همچنان پیمان حکومت پاکستان با طالبان آنکشور تشنج را در افغانستان افزایش داده و امنیت افغانستان مستقیماً بر کشورهای همسایه ارتباط دارد.

جنرال دان ک. مک‌نیل (DAN K. MCNEILL) قوماندان عمومی نیروهای آیساف گفته بود- هر زمانی که یک پیمان بین حکومت پاکستان و طالبان آنکشور عقد می‌گردد، تشنج و نا آرامی در افغانستان افزایش پیدا میکند. این نگرانی بعد از آن انعکاس می‌یابد که حکومت پاکستان و طالبان محلی معاهده را امضاء نمودند. طالبان برای موفقیت معاهده، سفیر اختطاف شده پاکستان مقیم کابل و هجده عسکر اردوی پاکستان را رها نمودند و پاکستان در مقابل، پنجاه و پنج طالب و یکی از قوماندانهای مهم آنها را آزاد کرده است. دولت افغانستان همواره گفته است که طالبان در مناطق قبایلی وزیرستان تربیه شده و به هدف انجام اعمال تخریبی و حملات انتحاری، وارد افغانستان میشوند. قوماندان آیساف می‌گوید، که تا زمانی که مخفیگاه‌ها و محل آموزش مخالفین، از بین نرود امکان از بین بردن آنها وجود نخواهد داشت.

به نظر من از همه اولتر استراتژی مخالفین را از بین ببریم و نگذاریم که مردم به طرف آنها بروند. دان مک‌نیل گفت که امنیت نه تنها در افغانستان ضروری است، بلکه بر کشور های همسایه نیز، تاثیر زیادی دارد. آرزوی ما اینست که عملکرد کشور های همسایه افغانستان، مطابق گفتار شان باشد. تا امنیت در افغانستان بهبود یابد، چون امنیت در افغانستان، مستقیماً به همسایگان رابطه می‌گیرد. نظر به نفوس و مساحت افغانستان، باید تعداد نیروهای خارجی که امنیت را تامین نمایند ۴۰۰ هزار تن باشد، اما این رقم امکان ندارد چرا که نه جامعه جهانی میتواند این تعداد را بفرستد و نه حکومت افغانستان توانایی پرداخت معاش آنها را دارد. آنها باید مشترکاً با نیروهای داخلی این مبارزه را پیش ببرند و این به زمان زیادی ضرورت دارد.

در سالهای گذشته کرزی بارها پاکستان را متهم کرده اند که از طالبان و القاعده برای ناامن کردن افغانستان حمایت می‌کند و در این میان روابط دو کشور در مقاطعی متشنج شده است. همچنین در یک سال اخیر که گفته می‌شود خونین ترین سال در افغانستان پس از فروپاشی طالبان می‌باشد برخی فرماندهان نیروهای خارجی و همین طور سازمان ملل متحد نیز پاکستان را تحت فشار قرار داده اند تا به تعهدات خود در قبال کمک به امنیت افغانستان پایبند باشند.

افغانستان مدعی است که در یک دهه گذشته سه گروه عمده در این کشور فعالیت کرده اند که مورد حمایت مستقیم پاکستان بوده اند. طالبان، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و شبکه حقانی. حزب اسلامی حکمتیار نیز در پاکستان مستقر است. در دوره ی که جهاد بر علیه شوروی وجود داشت، پاکستان از هفت گروه جهادی فعال در پشاور حمایت می‌کرد. در دوره جنگ داخلی هم از حکمتیار حمایت کردند و بعد هم زمانی که دولت ربانی از طالبان شکست خورد، افغان ها معتقدند این پاکستان بود که طالبان را در افغانستان روی کار آورد.

بعد هم که آمریکا وارد افغانستان شد، طالبان به پاکستان منتقل شد و باز هم مردم معتقدند که دخالت های پاکستان کماکان ادامه داشته است. بر همین اساس خیلی ها معتقدند که ریشه های افراط گرایی مذهبی در رابطه با افغانستان را پاکستان ایجاد کرده است. در زمانی که شوروی در افغانستان حضور داشت، پول و نیروی انسانی کشورهای غربی و عربی به منظور جهاد با شوروی به پیشاور رفت و در تعلیم و سازماندهی گروه های جهادی

مصروف شدند. همین گروه ها بودند که بعدها سازمان القاعده بر همین اساس تشکیل شد و طالبان و شبکه حقانی نیز با القاعده در ارتباط بودند وزیرمجموعه های آن به حساب می آیند. در واقع در آن مقطع زمانی هم کشورهای عربی - اسلامی و هم کشورهای اروپایی و آمریکایی به شکل گیری این جریان کمک شایانی کردند.

اسلام آباد، زمانی که طالبان در افغانستان قدرت را در دست داشت، دولت طالبان را به رسمیت شناخت. همچنین، رهبران طالبان پس از تهاجم آمریکا در سال دوهزارویک مفری بهتر از پاکستان پیدا نکردند. از آن زمان تاکنون، اعضای طالبان و دیگر گروه های شورشی از مناطق قبیله ای پاکستان به عنوان پایگاهی برای حملات خود علیه نیروهای داخلی و ناتو استفاده کرده اند. دولت پاکستان حمایت از طالبان را البته تکذیب می کند، اما بسیاری معتقدند که این کشور از شبه نظامیان افراط گرا برای اقدامات پنهانی خود علیه همسایگان استفاده می کند.

اشرف غنی، زمانی که در ماه سپتامبر به عنوان رییس جمهور جدید سوگند یاد کرد، مجموعه ای از چالش ها را از دولت قبلی به ارث برد. از جمله این چالش ها و معضلات باید به اقتصاد ضعیف و تحلیل رفته، فساد همه گیر و استمرار حملات مخالفین در آستانه خروج قسمی نیروهای ناتو و آمریکا از افغانستان اشاره کرد.

اشرف غنی برای مقابله با این چالش ها برنامه هایی را اعلام کرده است. او قصد دارد به موازات پیگیری و احیای مذاکرات صلح با طالبان با هدف پایان دادن به حملات مخالفین طرح بلندپروازانه ای را نیز برای ایجاد یک همکاری تجارتي منطقه ای دنبال کند. نارندرا مودی، نخست وزیر هند که خود یکی از منتقدان پاکستان است، می گوید دولت اسلام آباد از افراط گرایان حمایت می کند، پیشاپیش پشتیبانی خود را از این طرح اشرف غنی اعلام کرده است.

به نظر می رسد تشدید ناامنی ها، عدم توقف حملات راکتی پاکستان به ولایات شرقی کشور و همچنین سوء سابقه پاکستان در نقض مکرر تعهدات خود به دولت افغانستان مخصوصا طی ۱۳ سال گذشته عامل اصلی این بدبینی هاست.

اشرف غنی به منظور تقویت روابط با اسلام آباد که در زمان حاکمیت دولت کرزی به شدت خراب شده بود و غنی، از زمانی که شش هفته قبل به قدرت رسیده بود، برقراری روابط بهتر با پاکستان و جست و جوی راه ها به منظور آغاز گفت و گوهای صلح با مخالفین، که تعداد زیادی از آنها به داخل پاکستان پناه برده اند را در جمله اولویت های خود قرار داده است. این که آیا پاکستان به اقدامات غنی در راستای تأمین صلح عکس العمل مشابه نشان می دهد یا خیر، شرایطی را تعیین می کند که در آن تروریسم اسلام گرا در سال های آینده منطقه را قورت خواهد داد.

آمریکا می تواند دوطرف را در زمینه تقویت ارتباطات نظامی، با هدف کاهش حرکات تروریست ها در امتداد مرزها، تحت فشار قرار دهد و همکاری های نزدیک تر اقتصادی و تجاری به عنوان راهی برای اعتمادسازی میان دو کشور را تسهیل کند. در صورتی که دوطرف این فرصت بهبود همکاری ها را از دست بدهند، زمینه برای تروریست اسلام گرا فراهم می شود تا به حملات شان در دو کشور ادامه بدهند؛ مانند حمله ویرانگر اخیر در نقطه ی مرزی «وفا» که حداقل جان پنجاه و پنج پاکستانی را گرفت.

در زمان ریاست‌جمهوری کرزی، روابط میان اسلام‌آباد و کابل فراز و نشیب زیادی را تجربه کرد. کرزی با «آصف علی زرداری» رئیس‌جمهور پیشین پاکستان، روابط شخصی خوبی داشت و چندین بار از پاکستان دیدار کرد. با این حال، پس از ترور «برهان‌الدین ربانی»، روابط کابل با اسلام‌آباد تیره شد و کرزی به شکل روزافزونی به هند به عنوان یک همکار منطقه‌ای افغانستان در آینده نگاه می‌کرد. سه هفته پس از ترور ربانی، کرزی از دهلی‌نو دیدار کرد و با هند موافقت‌نامه همکاری‌های استراتژیک امضا کرد که در میان دیگر مسائل، آموزش و تجهیز نیروهای افغانستان توسط هند را شامل می‌شد. این امر به کاهش دیدارهای دوجانبه مقام‌های افغانستان و پاکستان، افزایش تبادل اتهامات در مورد حملات تروریستی در دو سوی مرز و افزایش در رویدادهای تبادل آتش در دو سوی مرز منجر شد.

اشرف‌غنی می‌خواهد وضعیت را به شکل چشم‌گیری بهبود بخشد و در این کار تندی حرکت کرده است، دعوت «ممنون حسین» رئیس‌جمهور پاکستان در مراسم تحلیف خود پذیرفتن دعوت دیدار از پاکستان، اعلام این‌که فصل جدیدی از روابط آغاز خواهد شد و دعوت به روابط تجاری بهتر و تبادل دوجانبه بیشتر.

بر اساس گزارش‌ها، اشرف‌غنی از مشاوران کلیدی خود خواسته است تا برای یک برنامه‌ی مفصل برای بهبود روابط ابتکار عمل به خرج دهند. این ابتکار عمل‌ها احتمالاً اقدامات در راستای بهبود تعامل تجاری و اقتصادی و روابط مردمی خواهد بود. به‌طور مثال، دوطرف باید برای تقریباً یک میلیون پناهنده ثبت‌نشده افغان که هنوز در پاکستان زندگی می‌کنند، راه‌حلی بیابند. آن‌ها همچنین باید توافق‌نامه ترانزیت تجاری افغانستان - پاکستان را که در سال دوهزارده به منظور افزایش تجارت دوجانبه و تقویت همبستگی منطقه‌ای امضا شد، مرور کنند.

ماه گذشته، آن‌ها با امضای موافقت‌نامه در مورد قیمت‌گذاری ترانزیت برای یک پروژه بزرگ برق، که هدف آن انتقال برق از آسیای مرکزی و از طریق خاک افغانستان به پاکستان است، در زمینه تقویت ارتباطات منطقه‌ای به پیشرفت‌هایی نائل آمدند. راحل شریف، لوی درستی‌اردوی پاکستان درشش‌نومبر به کابل سفر کرد؛ جایی که وی با اشرف‌غنی دیدار کرد و این حس را که هر دو طرف خواهان گشودن صفحه جدیدی از روابط هستند، تقویت کرد. شریف، در جریان دیدار هایش پیشنهاد دیرینه تعلیم و تربیه سربازان افغانستان را تکرار کرد.

رهبران پاکستانی از یک رئیس‌جمهور باثبات‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر در رأس قدرت در افغانستان استقبال خواهند کرد. امضای موافقت‌نامه دوجانبه امنیتی با آمریکا توسط اشرف‌غنی، اندکی پس از به قدرت رسیدنش، نشان می‌دهد که در مقایسه با کرزی تند و غیرقابل پیش‌بینی، احتمالاً او در رویکرد خود نسبت به روابط با آمریکا قاطع‌تر بوده و کمتر هجومی عمل خواهد کرد. امضای موافقت‌نامه دوجانبه امنیتی، برای افغانستان و منطقه این دلالت را دارد که کابل و واشنگتن برای جلوگیری از خروج ناگهانی نیروهای آمریکایی باهم همکاری خواهند کرد. ناظران نگران بوده‌اند که شکست در تکمیل کردن موافقت‌نامه دوجانبه امنیتی به خروج کامل نیروهای بین‌المللی تا اواخر سال جاری از افغانستان منجر خواهد شد، شبیه چیزی که در اواخر سال دوهزارویازده در عراق اتفاق افتاد.

بیشرفت‌های اخیر داعش، فشارها روی کاخ سفید را افزایش داده‌اند تا اطمینان حاصل شود که آمریکا شتابزده افغانستان را ترک نخواهد کرد. نگرانی‌ها در مورد ظهور داعش و این‌که این امر برای گرایش‌های تروریسم در جنوب آسیا چه مفهومی دارد، نیز رهبران افغانستان و پاکستان را تشویق خواهد کرد تا به دنبال تقویت همکاری‌هایشان باشند.

ایمن الطواهری رهبر القاعده، در ویدیویی که در ماه سپتامبر منتشر شد، موجودیت شاخه جدید القاعده در جنوب آسیا را اعلام کرد. احتمالاً نگرانی‌ها در مورد رقابت بر سر سربرازگیری و تأمین مالی با داعش و همچنین این‌که الطواهری خواسته باشد نشان دهد که پیوند القاعده با طالبان هنوز زنده است، باعث شده باشند الطواهری این اعلامیه را صادر کند. برخی از گروه‌های تحریک طالبان پاکستان، که آماج عملیات‌های اردوی پاکستان در مناطق قبیلہ‌ای بوده‌اند، اخیراً به (گروه تروریستی داعش) اعلام وفاداری کردند.

مهارت‌های بنیادگرای اسلامی در منطقه، به بهبود روابط و بهترسازی همکاری‌ها میان حکومت‌های افغانستان و پاکستان نیاز دارد. با توجه به روی کار آمدن حکومت جدید که به بهبود روابط با همسایه‌ها متعهد است و کمک حملات اردوی پاکستان به ریشه‌کن ساختن پناهگاه‌های تروریست‌هایی که در دوسوی مرز فعالیت دارند، زمان آن فرارسیده است تا روی طیف وسیعی از مسائل همکاری شود. در حالی که برای بهبود روابط اقتصادی و تجارتي و تقویت ارتباطات منطقه‌ای زمینه وجود دارد، اردو پاکستان باید در زمینه از بین بردن پناهگاه‌های طالبان در داخل مرزهایش تمایل قوی‌تر نشان بدهد. تحریک طالبان پاکستان با دیگر گروه‌های تروریستی که بر افغانستان (وهند) حمله می‌کنند، از جمله القاعده، ارتباط دارد و از سیاست‌های آسان‌گیر پاکستان در قبال گروه‌های تروریستی دیگر بهره جسته و حملات ضدحکومتی خودشان را انجام می‌دهند. با این حال، حفظ یک رویکرد انتخابی در هدف قراردادن تروریست‌ها، نه تنها تلاش‌های پاکستان در بهبود روابط منطقه‌ای را به مخاطره می‌اندازد، بلکه امنیت داخلی این کشور را نیز به خطر انداخته و به حملاتی مثل آن یکی که در وفا اتفاق افتاد، منجر می‌شود. استفاده از گزارش آسوشیئد پرس در باره سفر اشرف غنی به پاکستان.

www.esalat.org